



مقایسه میزان سازگاری اجتماعی در کودکان نابینا و عادی در مدارس ابتدایی شهر

مشهد

نویسندگان: علی اکبر مدرس مقدم^۱ جواد حاتمی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم تربیتی، دانشگاه صدرالدین عینی تاجیکستان، آموزش و پرورش کاشمر

تلفن: ۰۹۱۵۱۳۲۷۰۲۲ Email: drmodares@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

چکیده

مقدمه: اجتماعی شدن یک فرایند دو جانبه ارتباطی میان فرد و جامعه است. به همین دلیل جریانی پیچیده به شمار می آید که ابعاد و جوانب گوناگونی دارد. از جمله این ابعاد می توان به کسب مهارت های اجتماعی، چگونگی برقراری ارتباط با سایر افراد و سازگاری اجتماعی اشاره کرد. محیط خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی در فراهم ساختن امکان یادگیری سازگار با محیط نقش و مسئولیت مهمی بر عهده دارند. این بررسی با هدف مقایسه میزان سازگاری اجتماعی در کودکان عادی و نابینای مدارس ابتدایی شهر مشهد انجام گردید.

روش بررسی: این مطالعه از نوع توصیفی، تحلیلی می باشد و تعداد ۲۷۰ نفر از دانش آموزان نابینا و عادی مقطع ابتدایی شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ شرکت داشتند. دانش آموزان نابینا به صورت سرشماری و دانش آموزان بینا به روش طبقه ای خوشه ای و تصادفی از بین مدارس عادی انتخاب گردیدند. روش جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد سازگاری اجتماعی بود که این پرسشنامه در سال ۱۹۷۴ در آمریکا جهت استفاده برای دانش آموزان ۷ تا ۱۳ ساله طراحی شده است. این آزمون شامل ۱۱ خرده مقیاس، ۳۸ زیر مجموعه و ۲۶۰ سؤال می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از روش t تست برای آزمون فرضیه ها استفاده گردید ($P < 0/05$).

یافته ها: مقایسه میانگین نمرات سازگاری اجتماعی این دانش آموزان نشان داد تفاوت معنی داری بین بینایان و نابینایان از لحاظ آماری وجود ندارد ($P=0/8$). نتایج میانگین سازگاری اجتماعی بین دختران نابینا و پسران نابینا از نظر آماری معنی دار نبود ($P=1/0$) ولی بنابر نتایج، ناسازگاری در پسران بیشتر از دختران می باشد. در این مطالعه ناسازگاری پسرهای بینا به مراتب بیشتر از دختران بینا بوده که از نظر آماری اختلاف معنی دار می باشد ($P=0/00$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج، ناسازگاری اجتماعی در دانش آموزان دختر نابینا بیشتر از دانش آموزان دختر بینا بود. در مجموع این ناسازگاری به مراتب در پسران بیشتر از دختران می باشد لذا توجه به آموزش و برنامه ریزی علمی و منسجم برای آنها توصیه می گردد.

واژه های کلیدی: سازگاری اجتماعی، کودکان عادی، کودکان نابینا، مدارس

طلوع بهداشت

مجله علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال سیزدهم

شماره: اول

فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳

شماره مسلسل: ۴۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۸



مقدمه

انسان موجودی است که در سایه حیات اجتماعی به زندگی انسانی رسیده است. با حذف حیات اجتماعی از حیات انسانی، آدمی هرگز موفق نمی شود خویش را بسازد و به اصول و ضوابط و حقوق فردی و اجتماعی آشنا شود. حیات اجتماعی انسانها در مواردی به علل انگیزه هایی دچار عوارض و اختلالاتی می شود که عامل پدید آورنده و یا عارضه اختلال مورد نظر را بیماری یا آسیب اجتماعی می نامیم. سازگاری اجتماعی یکی از ابعاد اجتماعی شدن است. برخی از صاحب نظران سازگاری اجتماعی را مترادف با مهارت اجتماعی می دانند. اسلاموسکی سازگاری و مهارت اجتماعی را فرایندی می داند که فرد را قادر به درک و پیش بینی رفتار دیگران و کنترل رفتار خود می کند، ضمن اینکه تعاملات اجتماعی خود را به نحو سازش یافته ای تنظیم می کند (۱).

ایواتا و همکاران در مروری جامع عوامل مؤثر در سازگاری اجتماعی را به شش دسته ی عمده تقسیم می کنند که هر یک از آن ها نیز به عوامل جزئی تر تقسیم می شوند. این عوامل عبارتند از:

الف: محرومیت های جسمانی ناشی از نقص عضو، تغذیه ی نادرست و بد، محرومیت از خواب و خستگی روانی، فرایندهای عاطفی آسیب زا و آسیب های مغزی، ب: عوامل روانی اجتماعی محیطی نظیر تغییرات سریع و مهم اجتماعی نظیر بیکاری، جنگ، بلایای طبیعی، از هم پاشیدگی کانون خانواده، فقر و اعتیاد، ج: عوامل تربیتی نظیر الگوهای نادرست خانوادگی، فقدان رابطه ی

والد با کودک، طرد کردن فرزندان، حمایت افراطی، محرومیت های عاطفی، خود مختاری بیش از حد کودک، انتظارات و خواسته های غیر واقع گرایانه ی والدین و کمبود ارتباط، د: ساختار خانوادگی ناسازگار از جمله خانواده های بی کفایت، از هم پاشیده، ضد اجتماعی و آسیب روانی اولیه و عدم ثبات عاطفی و روانی والدین، ذ: فشارهای ناشی از زندگی جدید صنعتی مانند رقابت های ناسالم، تقاضاهای شغلی و تحصیلی و پیچیدگی های زندگی جدید، و: عوامل ژنتیکی وارثی نظیر اختلالات جسمی، روانی و عاطفی ارثی که زمینه را برای رفتارهای بزهکارانه و ناسازگاری اجتماعی فراهم می کنند (۲).

یکی از عوامل مؤثر در سازگاری اجتماعی، محرومیت های جسمانی ناشی از نقص عضو می باشد که نابینایی یکی از مهمترین آنهاست. لازم به ذکر است، نابینایی بر شیوه یا نحوه انجام کارها تأثیر داشته و برقراری ارتباط را دچار مشکل می کند. فردی که بینایی خود را به عللی از دست می دهد تا اندازه ای توانایی ها، علایق و مشاغلش تغییر می کند. لذا می بایست با توجه به شرایط فعلی به تدریج خود را سازگار و آماده نماید. نابینایی، لزوماً همراه با ناسازگاری عاطفی و اجتماعی نمی باشد. در واقع تا حدودی این رفتار و عکس العمل های خانواده و اجتماع است که چگونگی قدرت سازگاری و انطباق افراد نابینا را مشخص می نمایند. به طور کلی هر نقص عضوی ضرورتاً با ناتوانی و نارسایی های حسی و حرکتی و هوشی همراه نمی باشد. این تفکر که کودکان استثنایی نیز همانند سایر دانش آموزان نیازمند به آموزش و پرورش در محیط عادی و برخوردار از امکانات و تجهیزات ویژه دارند جدید



میزان سازگاری اجتماعی در کودکان عادی و نابینا در مدارس ابتدایی شهر مشهد انجام دهیم تا با استفاده از نتایج آن بتوانیم برنامه ریزی صحیح آموزشی برای آنها انجام دهیم.

روش بررسی

این مطالعه به صورت توصیفی بر روی ۲۷۰ نفر از دانش آموزان ۷-۱۳ ساله نابینا و عادی شهر مشهد در سال ۹۱-۹۲ انجام شد. از هر گروه ۱۳۵ نفر که از نظر سن و جنس باهم یکسان بودند در این مطالعه شرکت کردند. دانش آموزان نابینا به صورت سرشماری از مدارس استثنایی انتخاب شدند و دانش آموزان بینا و عادی از بین مدارس شهر مشهد به صورت خوشه ای و تصادفی انتخاب گردید. روش جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد سازگاری اجتماعی بود که این پرسش نامه در سال ۱۹۷۴ در آمریکا توسط لامبرت LAMBERT ویند میلر wind miller کل و فیگوروا Cole & Figueroa برای استفاده در مورد دانش آموزان ۷ تا ۱۳ ساله طراحی شده است. این پرسشنامه، در سال ۱۳۷۱ توسط دکتر شهنی ییلاق ترجمه و بر روی ۱۵۰۰ دانش آموز دختر و پسر مقطع دبستانی کلاس های اول تا پنجم شهر اهواز هنجاریابی شده است. این آزمون از ۱۱ خرده مقیاس، ۳۸ زیر مجموعه و ۲۶۰ سؤال تشکیل می شود. ضرایب اعتبار آزمون از طریق ضریب همبستگی مورد استفاده در اعتبار یابی به ترتیب ۰/۵۵ و ۰/۶۰ است که هر دو در سطح آماری ۰/۰۱ معنی دارند. اعتبار ۱۱ خرده مقیاس این آزمون بر اساس محاسبه ضریب همبستگی آن ها در مقیاس اصلی با همان ۱۱ خرده مقیاس به دست آمد. این ۲۲ ضریب اعتبار از ۰/۱۶ تا ۰/۶۳ دامنه تغییر دارند که به جز یکی بقیه

است. آنان قبل از اینکه استثنایی باشند انسان بوده و احتیاجاتی نظیر سایر افراد بشر دارند. در آموزش و پرورش امکانات باید به گونه ای فراهم شود تا هر یک از دانش آموزان، اعم از استثنایی یا عادی، بتوانند به حداکثر رشد ذهنی و جسمی ممکن برسند (۳). نزدیک به یک قرن است که کودکان استثنایی در ایران مورد توجه قرار گرفته اند و در حال حاضر گروه های مختلفی از کودکان استثنایی، تحت آموزش و خدمات توانبخشی قرار دارند. از آنجا که در میان کودکان استثنایی، کودکان نابینا نزدیک ترین گروه به افراد عادی هستند، توجه به این گروه و آموزش و پرورش آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این کودکان می توانند از رشد و پیشرفت خوبی برخوردار شوند (۴).

بنابر گزارش الیس ۸۰٪ آموخته های کودکان به کمک حس بینایی حاصل می شود. از این رو کودکان آسیب دیده از نظر بینایی به منظور کسب مهارت های تحصیلی، بایستی مقدار زیادی از مفاهیم را از قبل آموخته باشند. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش آنها باید طیف وسیعی از مهارت های مختلف تحصیلی، فناوری، حمایت از خود، مهارت های اجتماعی و حرفه ای را در برگیرد (۵). حس بینایی یکی از بارزترین حواس است که بنیادی ترین وظایف را بر عهده دارد. چشم عضوی است که از بدو تولد همراه با سایر حواس شناخت ما را از دنیای اطراف میسر می کند. بینایی بهنجار (Normal vision) به وضعیتی گفته می شود که در آن فرد قادر است همه ی احتیاجات بینایی خود را در فاصله نزدیک و فاصله دور در زندگی روزمره اجرا نماید (۶).

لذا با توجه به اهمیت این موضوع بر آن شدیم که مقایسه ای بین



فامیلی داشته و بالای ۵۷٪ کودکان نابینای عادی در خانواده های ۳ نفر و بیشتر زندگی می کردند. ۱۶ درصد خانواده های افراد نابینا مشکل بینایی در سایر اعضای خانواده داشته، در حالی که این میزان در خانواده های افراد عادی ۱۰ درصد بود.

پیش از ۷۰ درصد خانواده های افراد نابینا و ۸۶٪ افراد خانواده عادی از نظر وضعیت مالی متوسط به بالا بودند. مقایسه میانگین نمرات سازگاری اجتماعی این دانش آموزان نشان داد که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین بینایان و نابینایان وجود ندارد (جدول ۱). نتایج میانگین سازگاری اجتماعی بین دختران نابینا و پسران نابینا از نظر آماری معنی دار نبود ($p=0/10$) ولی بنابر نتایج جدول، ناسازگاری در پسران نابینا بیشتر از دختران نابینا می باشد (جدول ۲). مطابق جدول ۳ ناسازگاری پسران نابینا به مراتب بیشتر از دختران نابینا بوده که این اختلاف از نظر آماری معنی دار می باشد ($p=0/00$).

آن ها در سطوح آماری ۰/۰۵ تا ۰/۰۰۱ معنی دارند. ضریب پایایی خرده مقیاس های آن با همان روش از ۰/۵۷ تا ۰/۹۱ می باشد که همگی در سطح آماری ۰/۰۰۱ معنی دارند. نقطه برش این آزمون ۷/۶۵ می باشد که با استفاده از میانگین به دست آمده است. کسب نمرات بالا در این آزمون نشانه پایین بودن سازگاری اجتماعی است (۷). در این مطالعه از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون t تست جهت تجزیه و تحلیل استفاده گردید.

یافته ها

این بررسی در ۲۷۰ نفر از دانش آموزان بینا و نابینای ۱۳-۷ ساله مقطع ابتدایی شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به منظور مقایسه سازگاری اجتماعی انجام شد. از هر گروه ۱۳۵ نفر در این مطالعه شرکت و از نظر سن و جنس با هم یکسان بودند. بیش از ۸۰ درصد دانش آموزان در هر دو گروه فرزند اول و دوم خانواده بودند همچنین ۶۲ درصد والدین دانش آموزان نابینا با یکدیگر ارتباط

جدول ۱: مقایسه میانگین سازگاری اجتماعی کودکان نابینا با کودکان بینا

وضعیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
نابینا	۱۳۵	۲۹/۱۱	۳۷/۳۰
بینا	۱۳۵	۲۵/۸۶	۳۲/۲۸

$$P=0/812$$

جدول ۲: مقایسه میانگین سازگاری اجتماعی دختران نابینا با پسران نابینا

وضعیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دختران نابینا	۷۰	۱۸/۲۲	۲۴/۲۸
پسران نابینا	۶۵	۳۹/۴۲	۴۴/۶۷

$$P=0/10$$



آنها دختر بودند. بیشترین فراوانی گروه سنی پدران بین ۳۰-۴۰ سال قرار داشت و در مادران بین ۵۵-۲۱ سال بود. از نظر بعد خانوار بیشترین فراوانی در خانوارهای ۴ نفره بود (۲۸ نفر). ۱۳/۵ درصد از کل دانش آموزان در خانواده هایشان سابقه نا بینایی داشتند. که این نابینایی در خانواده های دانش آموزان نا بینا بیشتر می باشد (۱۶٪). نسبت فامیلی در خانواده ها هر دو گروه ۳۵٪ بود که این نسبت در خانواده های نابینایان ۶۲٪ می باشد. از لحاظ وضعیت اقتصادی ۶۳٪ از نابینایان در وضعیت ضعیف و متوسط قرار داشتند ولی اکثر خانواده های دانش آموزان بینا وضعیت اقتصادی خوب داشتند (۵۷٪). از نظر سطح تحصیلات ۸۷/۸٪ از مادران و ۷۷٪ از پدران در سطح ابتدایی و متوسطه بودند.

از لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین میانگین های دو گروه دانش آموزان دختر نابینا و بینا در میزان سازگاری اجتماعی وجود ندارد، اما مطابق نتایج جدول، ناسازگاری در دختران نابینا بیشتر از دختران بینا می باشد (جدول ۴). مقایسه ی سازگاری اجتماعی میان پسران بینا و نابینا تفاوت معنی داری بین میانگین های دو گروه نشان نداد (p=۰/۸۹) و در هر دو گروه سازگاری اجتماعی کم می باشد (جدول ۵).

مشخصات فردی افراد نشان می دهد که بیشترین فراوانی دانش آموزان به ترتیب در کلاسهای چهارم و پنجم بوده و از نظر رتبه تولد ۸۰ درصد آنها فرزند اول و دوم خانواده می باشند. در این مطالعه ۴۸/۶٪ (۶۵ نفر) از دانش آموزان پسر و ۵۱/۴٪ (۷۰ نفر)

جدول ۳: مقایسه میانگین سازگاری اجتماعی دختران بینا با پسران بینا

وضعیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دختران بینا	۷۰	۸/۲۷	۱۳/۷۷
پسران بینا	۶۵	۴۲/۵۲	۳۶/۰۹

$$P= ۰/۰۰۱$$

جدول ۴: مقایسه میانگین سازگاری اجتماعی دختران نابینا با دختران بینا

وضعیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دختران نابینا	۷۰	۱۸/۲۲	۵/۷۲
دختران بینا	۷۰	۸/۲۸	۳/۲۴

$$P= ۰/۲۳۶$$



جدول ۵: مقایسه سازگاری اجتماعی پسران نابینا با پسران بینا

وضعیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
پسران نابینا	۶۵	۳۹/۴۲	۴۴/۶۷
پسران بینا	۶۵	۴۲/۵۳	۳۶/۰۹

$$P = ۰/۸۹۸$$

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف مقایسه سازگاری اجتماعی در کودکان نابینا و عادی در مدارس ابتدایی شهر مشهد انجام گرفت. در این مطالعه فرضیه اصلی پژوهش که تحت عنوان سازگاری اجتماعی در کودکان نابینا و عادی متفاوت می باشد تأیید نشد که با نتایج مطالعه خدابخشی مغایرت دارد. وی در مطالعه خود دلیل تفاوت سازگاری اجتماعی کودکان عادی و نابینا را محدود بودن دامنه تجربه های کودکان و نوجوانان نابینا، کاهش توانایی حرکت به اطراف و کاهش میزان مهار محیط و ارتباط با آن به دلیل نابینایی می داند که بر رشد شناختی و عاطفی آنها تأثیر می گذارد. دلیل این عدم همخوانی شرایط آموزشی کودکان مورد مطالعه می باشد، هر چند کودکان نابینا نیاز به شرایط روحی و روانی خاص دارند تا بتوانند در محیط آموزشی به رشد خوبی دست یابند و با محیط خود سازگار شوند و استقلال خود را تجربه نمایند و مانند افراد عادی جامعه باشند. نتایج نشان می دهد شرایط آموزشی این افراد به گونه ای بوده است که توانستند سازگاری اجتماعی لازم را بدست آورند و این سازگاری مانند کودکان عادی همسن و سال خود باشد (۸).

پادروند در مطالعه خود دریافت افراد نابینا به طور ذاتی در زمینه سازگاری روانی اجتماعی مشکلی ندارند و اگر ناسازگاری دیده

شود، این ناسازگاری بیشتر انعکاس دهنده برخورد جامعه با این افراد است (۹). کلس (۱۰)، خجسته مهر (۱۱) مارگیر امیررود (۱۲)، به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافتند.

بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه سازگاری اجتماعی کودکان نابینا با کودکان بینا تفاوتی ندارد. همین امر نشانگر آن است که در صورتی که فرد از مهارت های اجتماعی لازم برخوردار باشد سازگاری لازم را در تعامل با دیگران خواهد داشت. علیرغم پژوهش های انجام شده توسط بایرشات (۱۳)، مک کاسپی (۱۴)، کف (۱۵)، مک گاها و فاران (۱۶)، واگنر (۱۷) و نورا و ساندر (۱۸) بیانگر مواجهه افراد نابینا با کاستی ها و نارسایی هایی از نظر مهارت های اجتماعی می باشد. شرایط بینایی فرد مانعی برای کسب مهارت اجتماعی و سازگاری اجتماعی کودک محسوب نمی شود. افراد با مشکلات بینایی می توانند با یادگیری مهارت اجتماعی و چگونگی برقراری و تعامل با دیگران از رشد اجتماعی خوبی برخوردار شوند.

نتایج نشان داد میان دختران و پسران بینا تفاوت سازگاری اجتماعی وجود دارد و مشکلات جسمانی خاصی ندارند. تفاوت سازگاری اجتماعی بین این دو گروه ناشی از جنسیت است.

نحوه برخورد والدین با کودکان، نوع نگرش والدین نسبت به جنسیت و شرایط اجتماعی می تواند از جمله عوامل تأثیر گذار در



به دلیل نبود مهارت های کافی در خزانه رفتاری این افراد نیست (۲۳).

واگنر معتقد است که با آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان نابینا، کاهش وسیعی در رفتارهای پرخاشگرانه و ناسازگارانه آنان ایجاد می شود. همچنین با افزایش بازخوردها و تقویت کننده ها و ارائه فرصت های تعاملی بیشتر به این افراد، نه تنها منجر به افزایش کفایت اجتماعی، مفهوم خود مثبت و عزت نفس در آنان می شود، بلکه به پیشرفت تحصیلی در آنان نیز منجر خواهد شد (۱۷).

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین سازگاری اجتماعی دختران نابینا با دختران بینا تفاوتی وجود ندارد. پژوهش ها بیانگر ارتقای سازگاری کودکان و نوجوانان در ابعاد مختلف زندگی در اثر آموزش مهارت های اجتماعی است و از اساسی ترین برنامه های پیشگیری در سطح اولیه به شمار می رود. یافته های پژوهشی که توسط نادری و دیگران تحت عنوان، تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر سازگاری فردی - اجتماعی، پرخاشگری و ابراز وجود دانش آموزان دختر در معرض خطر مقطع متوسطه شهر اهواز انجام شد، حاکی از اهمیت و نقش مهم مهارت های اجتماعی در سازگاری فردی و اجتماعی دانش آموزان دختر می باشد (۲۴).

یکی از مهمترین یافته های تحقیق بیانگر پایین تر بودن مهارت های اجتماعی دانش آموزان نابینا از دانش آموزان عادی است. همچنین مهارت اجتماعی دانش آموزان عادی به طور معنی داری از دانش آموزان نابینا بیشتر است که با یافته تحقیق حاضر مغایرت دارد (۲۵). این در حالی است که هدف اصلی آموزش،

سازگاری اجتماعی کودکان به شمار آید. بر همین اساس لازم است بر اساس شرایط فردی و شرایط اجتماعی و محیطی دختران و پسران مهارت های اجتماعی لازم آموزش داده شود و جنسیت به عنوان یک آیتیم تأثیرگذار تلقی شود. در تمام مطالعات مرتبط انجام شده در این زمینه مانند مطالعات کف (۱۵)، مک گاها و فاران (۱۶)، هاره و آرو (۱۹)، به پژوه (۲۰)، شهیم (۲۱) جنسیت را به عنوان یک عامل مستقل و مؤثر بر سازگاری اجتماعی کودکان در نظر نگرفته اند و به بررسی مشکلات اجتماعی، رفتارهای اجتماعی و تأثیر آموزش اجتماعی در کودکان نابینا و کم بینا در مقایسه با کودکان عادی صرف نظر از جنسیت آنها پرداخته اند.

همچنین نتایج نشان داد تفاوت آماری میان سازگاری اجتماعی دختران و پسران نابینا وجود ندارد. به عبارت دیگر، برخلاف کودکان عادی، سازگاری اجتماعی بین دختران و پسران نابینا یکسان بوده و جنسیت در اثبات این فرضیه تأثیری ندارد. دلیل این تفاوت را می توان ناشی از شرایط آموزشی متفاوت این کودکان دانست. آموزش مهارت های زندگی در کودکان نابینا اعم از پسران و دختران منجر به افزایش سازگاری اجتماعی آنها خواهد شد. امروزه با وجود تغییرات عمیق فرهنگی و شیوه های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مسایل زندگی توانایی های لازم و اساسی ندارند و همین امر آنان را در مواجهه با مسایل و مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن، آسیب پذیر ساخته است (۲۲). لازم به ذکر است بیشتر کناره گیری های افراد نابینا در تعاملات اجتماعی به علت تعاملات نامناسب جامعه با این افراد می باشد و



جامعه، سازگاری این افراد افزایش می یابد (۲۶). نتایج این پژوهش تأیید کننده این امر است. از این رو پسران محصل مهارت های اجتماعی لازم برای زندگی و تعامل با اجتماع را فرا گرفته اند. مهارت های اجتماعی از جمله مهارت های اکتسابی هستند که خانواده و مدارس در آموزش این مهارت ها نقش به سزایی دارد. بر اساس مطالعه پادروند کودکان نابینا از لحاظ هوش درون فردی مانند کودکان بینا هستند و می تواند ناشی از فرصت های یادگیری کافی باشد که در این صورت کودکان نابینا ضرورتاً این مفهوم را همانند افراد بینا در خود رشد می دهند (۹). یافته های این پژوهش با نتایج به دست آمده از پژوهش های پزشکی همسو است (۲۷).

نتایج پژوهش به پژوه نیز نشان داد که آموزش مهارت های اجتماعی بر بهبود عزت نفس دانش آموزان پسر نابینا، به طور معناداری مؤثر بوده است (۲۰).

تربیت شاگردانی است که در زمینه زندگی اجتماعی موفق باشند. آنها برای مواجهه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی تربیت می شوند بنابراین معلم باید بتواند به نابینایان در زمینه سازگاری اجتماعی در مدرسه و جامعه کمک نماید. معلم شخصیت اصلی در مدرسه و کلاس است و بطور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتار دانش آموزان تأثیر می گذارد. بر همین اساس عامل عدم همخوانی نتایج این مطالعه با مطالعات پیشین را می توان فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم برای آموزش مناسب به دانش آموزان دانست.

بر اساس نتایج بدست آمده سازگاری اجتماعی پسران نابینا با پسران بینا تفاوتی ندارد که نتایج نشان دهنده آن است که شرایط آموزش مهارت اجتماعی در پسران نابینا و بینا متناسب با شرایط جسمانی و اجتماعی آنها است. اکاتز فورس علت ناسازگاری افراد نابینا و ناشنوا را بیشتر به علت نحوه برخورد جامعه با آنان می داند. با بهبود نگرش جامعه نسبت به این افراد، فراهم شدن شرایط لازم برای تعامل آنها، پذیرش آنها به عنوان افراد عادی در

References

- 1-Slaby T, Gaura T. Self- efficacy and personal goal setting. American education research journal 2003; 29: 663-9.
- 2-Iwata JN, Noboru K, Higuchi M, Hiana RJ. response of Japanese and American students to the Anxiety and social skills question air. Journal of Personality Assessment 2000; 74(1): 48-62.
- 3-Naderi A, Scif Naraghi M. Exceptional students. Tehran: Amir kabir; 1995.
- 4-Hertan, Kork. Rehabilitation and education of visually impaired stufents in ordinary schools, translated by Mikani A. Tehran: Avay noor publishing; 2010: 49.
- 5-Elisa F, Josee L, Oreste FG. Gross motor development and reach on Sound as critical tools for the development of the blind child. journal Brain and Development 2002; 24: 269-75.



- 6-Mizajani A. prevention of blindness in low vision people. Articles collections of the conference on the pretention of disabilities. Tehran; Iran. Organization of exceptional education; 2009.
- 7-Mohammadi, F. Iinvestigation and comparison of social adjustment in students with common learning disability of mathematics base of third and four in Qom [Msc thesis]. Qom university.2008
- 8-Khodabakhshi kalae, A. The applics of theories of counseling and psychotherapy in rehabilitation of the disable people. Tehran: Danjereh publication; 2011.
- 9-Padrund H, Sharifi dairymaid P, Rezei fard A, Afifi H. the investigation and comparison of Gardner's multiple talents in blind and sighted boy's students in middle school in Tehran. Journal of exceptional people psychology 2011; 107: 91- 108.
- 10-Celest M. Social skills intervention for a child who is blind. Journal of visual Impairment and blindness 2007; 100: 521-32.
- 11-Khojastch mehr Gh. Comparison of personality characteristics of blind and sighted teenagers. Tehran1992.
- 12-Margir Mirad s.th investigation and comparison of personality characteristics of blind and sighted and girls Normal in high school in Tehran, Alameh Tabatabaei University 2001.
- 13-Bieber-Schut R. The use of drama to help visually impaired adolescents acquire social skills. Journal of Visual mpairment and Blindness 1991; 85(8): 340-57.
- 14-MacCuspie PA. Promoting acceptance of children with disabilities: From tolerance to inclusion. Halifax, Nova Scotia: Atlantic Provinces Special Education Authority; 1996
- 15-Kef S. The personal network and social supports of blind and visually Impaired adolescents. Journal of Visual Impairment and Blindness 1997; 91(3): 236-44
- 16-McGaha CG, Farran DC. Interactions in an inclusive Classroom: effects of visual status and setting. Journal of Visual Impairment and Blindness 2001; 95(2): 80-94.
- 17-Wagner E. Developmental and Implementation of a curriculum to Develop social competence for student with visual impairment in Germany. Journal of Visual Impairment and Blindness 2004; 98(11): 703-10.
- 18-Nora GSS, L. N. Self-esteem and empathy in sighted and visually impaired preadolescents. Journal of Visual Impairment and Blindness 2005; 99(5): 276-86.



- 19-Huurre T, Aro H. The psychosocial wellbeing of finish adolescent with visual impairment versus those with chronic condition and those with no disabilities.. *Journal of Visual Impairment and Blindness* 2000;94(10): 625-38.
- 20-Behpajooch A, Khanjuni M, Heldari M, Shokhi yekta M. The effect of social skills training on self-esteem of usually Impared male. *Journal of research in psychiatric health* 2007; 1(3): 29- 37.
- 21-Shahim S. the inverstigation of social skills in a group of blind students view of techers. *Journal of psychology and educational sciences* 2002, 32(1): 9-13.
- 22-Klinkch K. life skills, Tehran. Spand Honar publishing 2002.
- 23-Celest M. Social skills intervention for a child who is blind. *Journal of visual Impairment and blindnes.* 2007;100: 521-32
- 24-Naderi F, Pasha GH, Makundi F. The impact of social skills traing on the adjustment of individual social, aggression and instruments of existence of girl students at risk in high schools in Ahvaz. *Journal of knowledge and Research in applied psychology* 2007; 9(36): 37-62.
- 25-Ocutsfurse G. A social goal perspective on children,s social competence. *Journal of emotional and behavioral disorders.* 1991; 7: 721-9.
- 26-BiabanGard E. Comparison of social skills blind, deaf and Normal girl students in high school in Tehran. *Psychology Research on exceptional children* 2005; 1(5): 55- 68.
- 27-Peceshki B. The investigation and comparison of emotional intelligence in low vision and sighted girls in high school in Tehran, Tehran: Alameh Tabatabaei university. 2004.



Comparison of Social Adjustment in Blind Children and Normal in Primary School in Mashhad

ModdaresMoghaddam AA(Ph.D)¹,Hatami J(Ph.D)²

1. Corresponding Author: Ph.D Student in Educational Sciences, Sadreddin Eine University, Dushanbe, Tajikistan

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: Socialization is a process of mutual communication between the individual and society. For this reason it is regarded as a complex flow that has various dimensions. Acquiring social skills, communicating with other people and social adjustments are in these dimensions. The family, school and media have a significant role and responsibility in learning compatibility with the environment. This study aimed to compare the social adjustment of viewing and blind children in elementary schools in Mashhad.

Methods: This is a descriptive, analytical study in which 270 blind and viewing students of primary schools in Mashhad participated in the academic years 2012-13. The blind students were chosen by census and viewing students through a stratified random sampling from normal schools. For data collection, a standard questionnaire that was social adjustment questionnaire was used. It was made in 1974 in America by Lambert, Wind Miller, Cole & Figueroa, which was translated in 1992 by Dr. Shahny Yeylagh, to be used for children of 7 to 13 years. It was conducted on 1500 boy and girl students of the first to fifth grade in elementary schools of Ahvaz. This test consists of 11 subscales, 38 sub-categories and 260 items. For data analysis, descriptive and inferential statistics such as t-test was used. ($P < 0.05$).

Results: The mean scores of social adjustment of students showed no statistically significant difference between the viewing and the blind ($p=0.8$). Also the mean of social adjustment in blind girls and boys was not statistically significant ($p=0.1$), but the incompatibility was found in more boys than the girls.

Conclusion: Regarding the results, social incompatibility was higher in the blind girl students than the viewing girl students. Also this incompatibility was higher in the boys than the girls thereby requiring scientific and coherent planning for them.

Keywords: Social adjustment, Normal children, Blind children, Schools